

آغاز پادشاهی اسمال کوری اول - هپلی



درجه ارادت و علاقه ی اینجانب به اسمال کوری برکسی پوشیده نیست ولی متأسفانه از بخت بدم او از سخنان خیرخواهانه من همواره برداشت نادرستی داشته.

او از مدت ها قبل شازده را به عنوان نخ شاکله ی اپوزیسیون معرفی کرد که با توجه به شناختی که از اوضاع و احوال شازده دارم، صلاح ندیدم و نظرم را به صراحت بیان کردم. وقتی خود شازده هنوز مشکل است روی دوپایش بایستد چطور می توانند تحمل اپوزیسیون را داشته باشند. البته اپوزیسیون داریم تا اپوزیسیون، ولی هر قدر هم این سبک وزن باشد، باز باید احتیاط کرد.

همه میدانند که فعالیت شازده فصلی است. وقتی صحبت پول و پله است و اشاره ی سیا و جووات عربستان، لامصب بدجوری انگیزه می شود تا شازده نقش باز شود و خطابه های غرا بکند، حتا در محفل تجزیه طلبان و فدرالیست ها. باقی وقت ها را به استراحت می گذراند که نیرو جمع کند برای وقتی که لازم باشد. طبیعی است که این وسط نمی تواند بیاید به خواست هر کسی که تازه از راه رسیده، بپرد وسط میدان و عرض اندام بکند. برنامه ی آهنگ های درخواستی که نیست، شازده کسیست برای خودش. حال اسمال هر قدر هم اصرار بکند، از طرفداران قدیم که مهمتر نیست.

خلاصه اینکه اسمال سرخورده شده و حال از آن طرف بام افتاده. هی مصاحبه می کند و شازده را رانت خوار معرفی می کند و می گوید شایستگی خاصی ندارد. آخه پدر من، قرار نیست هر کس محل به تو نگذاشت، به کلی بی اعتبار بشود. این جور ی با مردم معامله کنی که کسی دیگر محلت نخواهد گذاشت. بعد میایی گله می کنی که پس من چی؟ هم سکولارم، هم سبزم، هم فدرالم و هم همه چیز دیگر، چه کم دارم که فراموشم کرده اید؟

گاهی هم از آن طرف می افتد و جز می زند که شازده پاشو چکمه های بابابزرگت را پات کن. انگار کفاشی باز کرده و می خواهد به مشتری بی خبر از همه جا، هر چه را ته انبارش مانده، بفروشد. اصلاً نمره ی پای طرف را اندازه گرفته ای؟ این چه جور کفش فروختن است؟ بعد می گویی چرا دکانم تخته شد. خوب از خودت بپرس. همین جوری هر روز جنسی را که خودت می پسندی و ادعا می کنی باب بازار است، در دکان می چینی و بعد که روی دستت باد کرد، می گویی عیب از مشتری است.

نشسته ای هی فریاد میزنی که تا ترامپ سرکار است بجنب و کاری بکن و دیگر از این فرصت ها گیرت نمی آید. خوب مگر شازده خودش کور است؟ اگر تو در دهات آمریکا نشسته ای، او که دایم در واشنگتن ولوست و این سناتور و آن سناتور را می بینی و بازاریابی می کند. حالا تو می خواهی کار یادتش بدهی؟ حالا خودت به ترامپ رأی دادی چی گیرت آمد که اینهمه یقه جر می دهی؟

بعدش هم مینشینی و گله می کنی که شازده لب از لب تکان نمی دهد و جم نمی خورد! خوب منم بودم محلت نمی گذاشتم. شازده که نشسته کار از بقیه یاد بگیرد. اگر می خواست به حرف بقیه گوش کند که شازده نمی شد که. هنوز نفهمیده ای که شازده جز خودش کس دیگری را نمی بیند و نمی خواهد ترا شریک بازیش بکند، شازده از همین حالا اطاعت می خواهد نه رهنمود.

به هر حال دلم برای اسمال کوری کباب می شود. چه کنم؟ رقیق القلبم و اختیارم دست خودم نیست. دانشمند و مبارزی مثل اسمال آقا با این ریش سفیدش هرچه می بافد شازده پنبه می کند. ولی تاریخ یک روزی قضاوت خواهد کرد و خدمات ایشان را از یاد نخواهد برد.

بویژه آنکه اخیراً ابتکار جالبی عرضه کرده و سخن بحقی گفته و پیشنهاد کرده که شاه در ایران انتخابی شود برای مدت ده سال! و بعد هم بدرستی توضیح داده که البته چون دختران شازده حتا فارسی بلد نیستند حرف بزنند، پس از درگذشت رضا این ارثیه به آنها نخواهد رسید و شاه دیگری را باید انتخاب کرد! بعد از مهستان و فدرالیسم و سکولاریسم سبز و همه این ابتکارات، این یکی دیگر واقعاً هم نوبر بود هم تکان دهنده بطوریکه شهرام همایون مصاحبه گر هم با آن هیكلش از جا پرید و احساس خطر کرد و ندا داد که بهتر است ایشان به فردهای خیلی دور نروند و همین جا ترمز کنند.

حال که پس از اینهمه سال دوندگی برای نخ شاکله به اینجا رسیدیم که خدمات ترا نادیده می گیرند اصلاً نباید ناامید شد. من ناصحانه پیشنهاد می کنم به قول حافظ بر در ارباب بی مروت دنیا-چند نشینی که خواجه کی به در آید. به جای این حرفها، اصلاً خط شازده را کور کن و خودش بشو شاه. چه چیزت از او کمتر است؟ خودش پیشقدم شود و اعلام کاندیدای پادشاهی کن!

توکه با چندین کنگره و جلسه و چلوکباب دادن ها (که کوپن هایش را هم نگهداشتی و مدرک داری و در تلویزیون نشان میدی) بهترین شرایط نخ شاکله را داری. باید همین

مهستان که اعضایش هر هفته توی لپ تاپ جمع می شوند، آغاز پادشاهی اسمال کوری اول را اعلام کنند. مگر مهستان کارش همین نیست؟ در قدیم مهستان همین کار را نمی کرد؟ اگر مهستان است که کمترین کارش تعیین شاه است و چه کسی بهتر از اسمال کوری.

برای محکم کاری یک چند روزی دم کنگره ی آمریکا پرسه بزن و با یکی دو تا از سناتورهای آمریکای عکس بگیر و در سایت بگذار که مثلا داریم مذاکره می کنیم و اینها هوای مرا دارند. بعد می توانی بجای کنگره و سمینار و تحمل مخارج بیهود یک جشن در یک چلوکبابی مثلا در کلن بگذاری و کمی دکور از تحت جمشید هم جور بکنی و باتفاق شهبانو شکوه، تاج شاهی را بر سر بگذاری .

هم شازده تکلیفش معلوم می شود هم مردم هم خودت .

در این میان تا می توانی از این شهریار آهی دوری کن . این دلال هزار کاره فقط دنبال پول دلالی است و تا حالا دوسه بار سرت کلاه گذاشته و تنهات گذاشته با دیگری رفته .

خلاصه باز هم میگویم که من خیر اسمال را میخوام. اگر گوش نکند از کیسه اش رفته است. می دانم گله خواهد کرد، ولی من نمی رنجم. نیکی می کنم و برای دوستان میاندازم. می خواهند قدر بدانند، می خواهند ندانند. ما خود را وقف وطن کرده ایم.

شانزدهم ژانویه 2019

ه تلگرام ایران لیبرال ببینید

https://t.me/iran_liberal